

خاطرات معلم ولی دور از وطن

نوشته: الحاج نظیری



اول فیروری ۲۰۱۹

می گفتند که شغنان وپامیر با م جهان اما باورم نمی آمد. تابستان امسال صرف به دیدن شغنان از طریق ولسوالی خواهان و درواز ها سفر نمودم ، برایم خیلی جالب بود زیرا در گذشته ها قصه های خوبی را شنیده بودم موفق به تماشای درواز ها و شغنان زیبا شدم و این روز هایکه در این مناطق سپری کردم بسیار مسرت بخش بودند. مشکلاتی که از هم دوره هایم در مکتب شنیده بودم باورم نمی آمد، اما به یقین تبدیل شد مثلیکه در خواب ببینی تمام آرزوهایم درین سفر بر آورده شد. در شروع سفر از ولسوالی خواهان دیدن کردم ، چونکه در سالهای ۱۳۵۶-۱۳۵۳ در آنجا معلم بودم و از دوستان خاطرات خیلی خوب در گذشته داشتم که با تاسف اکثریت آنها یا فوت کردند یا از طرف وحشیان شهید گردیده اند یا بنابر مجبوریت های محلی به ولایات دیگر مسکن گزین شده اند. روی هم رفته با مردم این دیار دیدن کردم و خاطرات مردم را در موقع لازم با دوستانم شریک خواهم کرد.

قابل یاد آوری میدانم که وضعیت صحتی و در مجموع زنده گی مردم ولسوالی خواهان نسبت به زمانیکه من در آنجا معلم بودم خیلی ها تغییر کرده است؛ سرکهای موتررو و اب آشامیدنی چند مرتبه نسبت به گذشته ها خوبتر شده است، اما هنوز هم مردم مشکلات زیادی دارند و طوریکه از خود مردم محل جویا شدم عامل آنها از چندین سال به این طرف بی اتفاقی وکلای در بین خود میدانند که هیچ نوع خدمت را در راستای مشکلات شان نکرده اند و صرف مصروف معامله و کشمکش ها در بین خود شان بوده و اصلا در فکر حل مشکلات مردم نشده اند.

بعد از چهار روز توقف در خواهان، ذریعه موتر از راه اتنگاه که در گذشته ها جایی را به نامی تیاق پرتاپ یاد میشد گذشتیم. راه ایکه چندین ولسوالی را با هم وصل میکند و امیدوار کننده به نظر نمی رسید.

مردم در تابستان مصروف دهقانی بوده ونه ماه دیگر بیکار در خانه های خود مصروف درس و تعلیم اطفال خود استند و وقت پیدا کردیم تا به مکاتب بروم. در دیدار با شاگردان و سوال و جواب، سطح دانش شان بنظم خوب و قناعت بخش بود و بیان گر آن بود که به درس خواندن مصروفیت دیگری نداشته اند.

آهسته آهسته به سفر خود ادامه دادم وبه ولسوالی های مایمی ونسی رسیدیم و خداوند یاری کرد با مردم آنجا هم دیدار و صحبت ها داشتیم به واقعیت مردم از زنده گی خود چندان راضی نبوده از نبود راه های

مواصلاتی شکایاتی داشتند و همه را ناشی از بی اتفاقی وکلای مربوط ولسوالی خود حکایات داشتند و تضاد های سیاسی را در محراق بلند و تصاحب بزرگان از محل و منطقه میدانند و منجر به تقسیم محل و منطقه شده از حل آن عاجز ماندند. ما دریافتیم این هم نوع توطئه دسیسه حکومت گذشته و حال بوده و تضاد بی اندازه حکومت کن تا سرحدی که به نام های این وان مناطق تقسیم شده است نتیجه آن شد که در انتخابات امسال یکی از آنجا به پارلمان موفق نشد. روی هم رفته مردم دلسوز به وطن اند و به مجرد که صحبت آغاز میشد همه خواهان صلح بودند. یک نقطه را قابل یاد آوری میدانم که آغا خان، خدمات چشم گیر در راستای معارف، صحت و اعمار پلهای بالا دریای امو و بازار های مشترک میان تاجیکستان در روزهای تعیین شده و در قسمت روشنایی خانه های مردم قابل وصف می دانم. بعد از توقف دوروزه به طرف جا مرچ حرکت کردیم در عرض راه از دو سه ساعت راه هنوز هم کار نا شده باقی مانده توسط موتر سیکل به بسیار مشکل و خطر مرگ به جا مرچ رسیدیم زمان که در قریه رسیدیم مردم فکر کردند که گویا ما کدام مسولین دولتی باشیم از ما استقبال گرم کردند. بعد از آن ما را مهمان را کردند یک شب را آنجا سپری کردیم. مردم از آوردن غذاهای لذیذ بیکار نبودند و در جریان صحبت ها کسی از من سوال کرد که شما در مکتب فکری شهید بدخشی کلان شده باشید گفتیم بلی. علاقه شان چند در چند شد پذیرایی خوب کردند و ثابت کردند که مردم همه تشنه علم و معرفت اند.



از آنجا به طرف ولسوالی شغنان در حرکت شدیم. میان جا مرچ و ولسوالی شغنان پل از زمان های خیلی قدیم باقی مانده بود امکان موتر نبود پیاده گذشتیم و طرف دیگر پل، با موتر دیگر به طرف ولسوالی شغنان حرکت کردیم. در قریه یارخ، بکمک بنیاد طرف آغا خان حوض کلانی دیدیم که جوانان با کشتیهای تفریحی به چشم میخورد. بالاخره، به مرکز ولسوالی شغنان نزدیک شدیم، و پذیرایی مردم مرا در فکر آن زمانهای بود که انسان قدر داشت همه را جنگ لعنتی شستشو نموده است. در یک جلسه قومی اشتراک نمودیم و برنامه آن در رابطه افتتاح کلینیک صحتی از طرف آغا خان بود. از نظرات مردم وانمود میشد که مردم با داشتن روشنفکران وطن دوست اذهان و ایده های محلی و منطقوی شان

خیلی عالی بوده به همه تحصیل کرده ها تعلق میگیرند که چنین باید باشد با داشتن چندین لیسه، دارالمعلمین عالی دارای استادان لایق و دلسوز و با بسا پیشرفت های علمی در آن ولسوالی دور دست قابل مقایسه به دیگر مناطق نیست. مردم از انرژی برق ۲۴ ساعته مستفید اند. کلینیک های صحی، بازار مشترک بالای دریای امو و دیگر پیشرفت ها همه از دست آورد های آغا خان است. با بعضی از روشنفکران، استادان، شاگردان و محصلین نشست های داشتیم که همه عاشق آموزش، سازماندهی کورسهای آموزشی در رابطه امتحان کانکور همه باید امدادگی داشته باشند. اینهم شاهد تحصیل کرده ها و دلسوزی شان نسبت به محیط و منطقه شان است. یک موضوع دیگری را قابل یاد آوری میدانم که در گذشته یک میدان هوایی در منطقه دشت خوست ساخته شد بود و طیاره باختر هفته وار از کابل، کندز و فیض آباد پرواز داشت. با وجود ترمینال معیاری در آنزمان، برای مامورین میدان هوایی بلاک ها رهایش نیز طرف ساخته شده بود اما با رسیدن پای تنظیم های جهادی وقت به آنجا همه را سوختاندند و وسایل و کلکین و دروازه های شانرا بیرون کشیدن و تاکنون دولت هم در باز سازی آن کدام اقدامی نکرده است. فعلا تنها برای نشست طیارات هیلیکوپتر از این میدان استفاده میشود. مردم محل تنها از راه های شیوه و شغنان اشکاشم استفاده میکنند و راه شیوه تنها سه تا چهار ماه در سال باز است و در ماه های دیگر بخاطر برفیاری بسیار زیاد مسدود میشود. سرک شغنان-اشکاشم هم در وقت برفیاری برای ده ها روز بسته می ماند.

ادامه دارد.....